



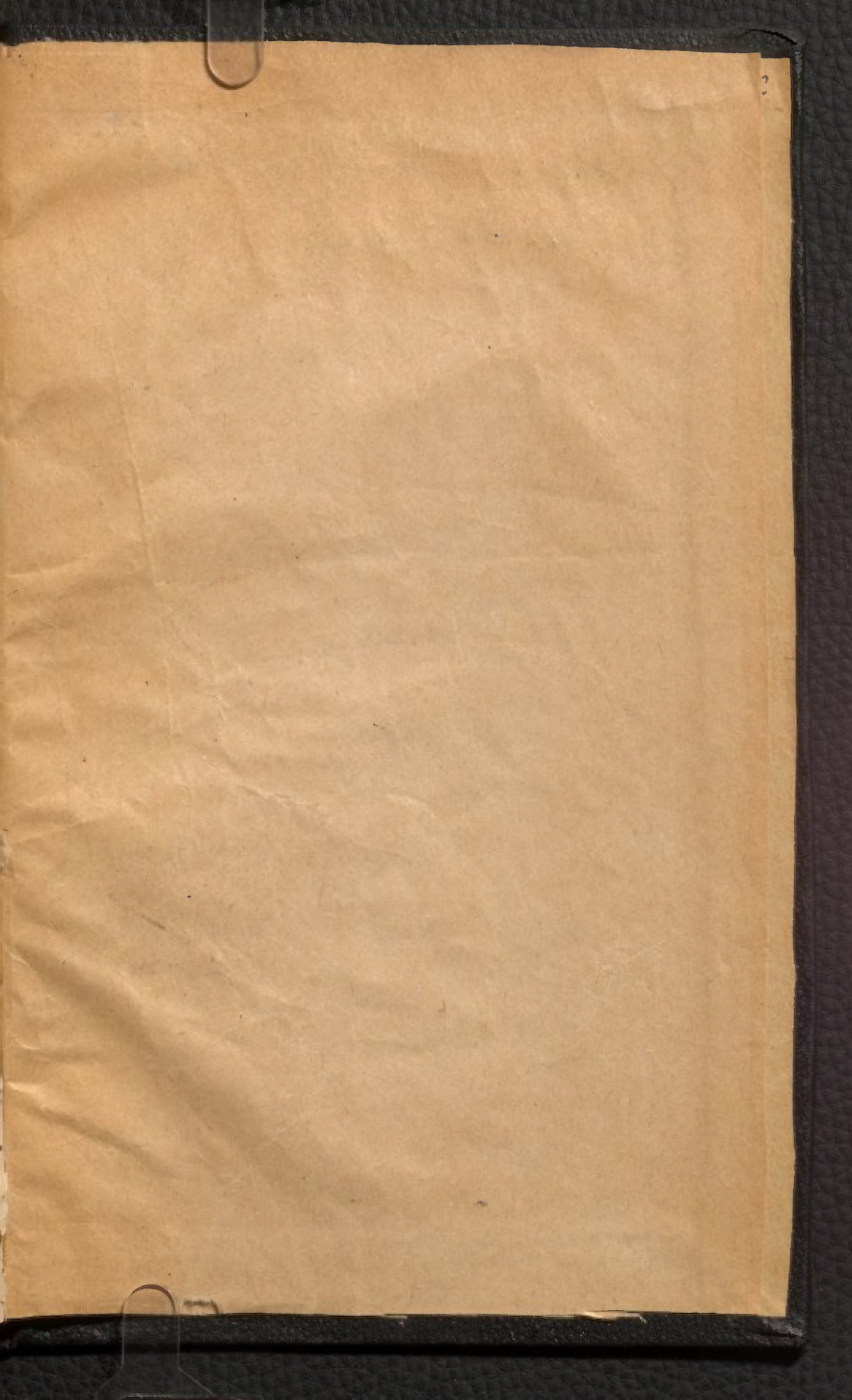
c

4121035

157

Sharh-i-dulā-i-Hizbū'l-bahr.

(magic prayers).



الحمد لله

London
25.11.27.
W.I.C.

طریق دعوت خزر عظم خرب البحریات چو کی خواهد که بدعوة ایشان
جهت هم عظیم مشغول گردد شرط اول اتصال ایشان و اجازت ایشان
دویم غسل کند سیوم با مریک بوشد چهارم بمقام خالی رود پنجم
متوجه قبله که هفتم بخور بنوز و هفتم در دوازده روز روزه دارد
هشتم در هر روز از آن روز ماسی نوبت بیک دفع بخواند
تصحیح عبارت و الفاظ کند و نهم رعایت اعتصام و اختتام و حل
عقد و اشاره کند چنانچه در محل خود نوشته خواهد شد یازدهم سعی
کند تمام و سوا س و خواطر از دل دور کند و از سر حضور تمام بخواند
دوازدهم در مدت دعوت از نامشروعات احتراز نماید و کلام
شراب و لباس و قولا و فعلا شیرین درین دوازده روز سخن
دنویز کمتر گوید چهاردهم افطار چغیری حلال کند و اگر نان و سر

باشد اولی با روزیم و درین تمام مطلقا حیوا نخورد و نه جلانه بجای نفع نماید
 و نباتات و اکثر شربت نبات از برای قوت بخورد جائز است نزدیم
 بر او ظاهر شود از نا اعلان نگا دارد و مقدم قصد خون و عرض
 و مان و نفس بجسمانی خلاف شرع نکند هفتم در روز آخر
 و عوة قربا نکند نوزدهم هر روز از آن دو از ده روز خورده از
 حلال صدقه کند بقدر استطاعت بستم هجده دعوت تمام کند باید
 هر روز بطریق و دو یکبار بخواند اگر در کسی نرسد و مناسبت
 که با تقدیم است هر دو رعایت این شرایط کند و بحضور دل
 معذرت خالی دعوت کند البته البته بمراد رسد اگر چه میان او و
 مقصود او بعد المشرقین باشد و در تسخیر سلاطین و حکام و وزیر
 و غیرهم و دفع دشمن و بدست دوست و محفوظ بماندن از جمع
 بیایات و آفات و حوادث هیچ چیزی بهتر از این سرزیت است
 خواندن اگر بکس دعوة کردن دشوار باشد نیز بیع کند بطریق

هیچ قبول دعوة خوانی کند بعد از طلوع
 خواه که خواه بخواند در روز آخر
 دعوة هر روز در روز ن باید و در بقدر
 مقدار و بعد از عوة هر روز یکبار
 بطریق در دو خواند حسن باشد
 او باید بخواند که بعد از عوة
 میباید خواند تا به بدعوه صغیر
 بنحال بخواند آن است
 و هر روز روز و ولود
 بعد از آن و اجتناب از خواب
 و اینست و در روز باید
 گفت و در وجه مع
 سوره باری هر روز بعد
 معنی

بر روز شنبس از صبح بکینوبت بخواند و اگر جمعی کلی باشد ^{بیشتر} شب
 و بعد از شام بکینوبت و اگر شنبس از صبح نتواند بعد از نماز صبح آید
 بکینوبت بخواند و اگر بر روز نتواند روز جمعه بخواند و هر چه خواهد که
 این هر روز بخواند اول از بیل ترویج روح مقدس عالیحضرت
 سید محمدی ^ع عبدالقادر جیلانی ^ع و امام ابو الحسن ^ع شافعی ^ع و شیخ
 محمد خریزی ^ع و شیخ زبیر علی کلاه ^ع و شیخ ابوسعید جوهری ^ع
 جمیع مشایخ این سلسله یکبار سوره فاتحه و آیت الکرسی و سوره
 اخلاص بخواند و ثواب همه اینان بخشد و بگوید ای محبت این
 بزرگان اینم خرب را بر من مسخر گردان تا خواندن اینم خرم شود
 باشد و بعد از آن غصام بخواند و آیه آیه تم انزل علیکم من بعد
 العلم یا دایب الصبر و آیه دویم محمد رسول الله ای آخر سوره
 رَبِّ سُبُّوْهُ وَاَلْعَسْرَةُ عَلَيْنَا اَبَتْ اَنْ يُّخَافَ اَنْ
 اَقْلَحَ عِزُّهُمْ وَاَنْ يُّرْعَى عِزُّهُمْ وَاَنْ يُّرْعَى عِزُّهُمْ وَاَنْ يُّرْعَى عِزُّهُمْ

این سلسله از شیخ زبیر علی کلاه
 و شیخ محمد خریزی و شیخ ابوسعید جوهری
 و شیخ عبدالقادر جیلانی و شیخ ابو الحسن شافعی
 و شیخ سید محمدی
 و شیخ زبیر علی کلاه
 و شیخ ابوسعید جوهری
 و شیخ عبدالقادر جیلانی و شیخ ابو الحسن شافعی و شیخ سید محمدی
 و شیخ زبیر علی کلاه و شیخ ابوسعید جوهری و شیخ عبدالقادر جیلانی و شیخ ابو الحسن شافعی و شیخ سید محمدی

این سلسله از شیخ زبیر علی کلاه
 و شیخ محمد خریزی و شیخ ابوسعید جوهری
 و شیخ عبدالقادر جیلانی و شیخ ابو الحسن شافعی و شیخ سید محمدی
 و شیخ زبیر علی کلاه و شیخ ابوسعید جوهری و شیخ عبدالقادر جیلانی و شیخ ابو الحسن شافعی و شیخ سید محمدی

اخلاصی

3
وخلص نخواستن نقلست و چیز خباب ختم الواعظین و
بقیه المفسرین زائر احرامین احقره مین مولانا رضی الدین سینا
علیه الرحمة و الغفران یکبار رک رفت و اسلام بخش شیخ
امشایح استاد و الثقلین نجم الحق و الدین شیخ لهم عموا المعروف
شیخ نجم الدین کبری قدس سرا الغریز آورد و جهد گاه در
خدمت ایشان ملازم بود بعد از گذاردن حج و نهارت خضر
رسالت مآب صلی الد علیه وآله وصحبه وسلم و حاصل کرم ن
سعادت دو جهان یاب یکه آمد نجد مت شیخ امشایح و اجازت طلب
بر بارگشتن بدار الملک و بعل و مسکن قدیم او بعد شیخ نجم الدین
وقت و طلع ایز خرز غرب البحر س مولانا رضی الدین سینا
و گفت نجم خبر عزت و کرم ترا زین خرز تیت و گفت
با هر که این عرب باشند و یا نخوانند مهمه مخلوقات من مخبر و مطیع
باشند و بر مخالفت غالب و منطقه و منصور باشند و هر گاه

بشد در امان و عصمت و حفظ حق باین و جمیع حکما دینی و دنیوی
او بر آید و دشمنان او مقهور شوند و این حکایت در و هلی نیک
مشهور است در عهد سلطان محمد تغلق لار الله بر نامه ملک
سعد الدین سعد الملک این خزر را در نقره گرفته بود و در خط
اند خنجر بر سر نیزه بسته بود هر جانب در ویر آورد و در صف کافران
و مخالفان شکست و مقهور و منهنز میزند میگردانید و سعد الملک
غایب آمد و منظر و منظر است کافران که زنداسیر میزند میلقند
همین که نظر ما بر خراطه سعد الملک می افتد با سو قدرت است این
نمی ماند ما سعد الملک نمی زند خراطه سعد الملک نمی زند غایب
اهل اسلام را باید که این خزر بنویسند و در نقره بگیرند و در
خوف بهند و سر و از آن کرد و خراطه گردا بر سر نیزه باند و
نخ جان آورد و کند قدرت خدا استعاضه می نماید
سر قضیت را از تصیف شرح امر شد بدین قطب الاولی

عزت الوری جلال الحق والذی قدس القدر البوسید الدین بن
لقم حسین انجاری قدس سره العزیز روشن شد که سید ادا از
کتاب احادیث صحیح از ائمه حدیث مقبر نقل کرد که خواننده این
عز از بلاد دنیا و آخره در حفظ و تان الهی باشد و جمله جهان را در
والس و ملک و موام و موام و دوش و طبع و مطیع و سحر او
غیر و او مظفر و ضروریات و خواص بسیار است بدین اختصار رفت
عزب البحر عزیر متبر که است بکرات و حررات اکابر و بزرگان دین
عزیر از بی حلاکت و مقاصد مختلفه بصدق دل و اخلاص تمام
خوانند اند تا بنظر الطمان و آثار اجابت آن مشاهده فرموده اند و
بسم دیگر شرایط خوانند آن ده است اول الله بی اجازت نخواهد
استاد صاحب عزیر متصل گرداند و بسم الله فظا این عزیر است
خوانند بیوم الله از نام شروع گفتن و گویند و شنیدن و خود عزیر از
واجب چهارم الله عزیر دای خشیس بخوید و در ملاک کی بغیر حق بگویند

بسم الله اعصام واختتام سر عا کند و اعصام نیت در پیش از
شروع در خلدن از آن بگوید رب سبیل و لیست و لا تعسر عینا اب
ای یغفر الکاه عرب به نیل کند ششم الله جز بلفظ سخننا هذا البی
در آنوقت مراد و مقصود خود بخاطر بگذراند و گفته اند در وقت خلدن
اللهم تیر لنا امواتنا تیر از مقصود طلبید باید همقم الله هرگاه بلفظ
گوید هر حرفی از هر دست یک انگشت خود را فرو گیرد و بعد از آن یک
و بر روی فرو آورد و ششم الله را از برای دفع عدا و میخواند جز
شاهت الوجوه سید و ششم الله را بخورد و خلدن در دل بگذراند و در مقابل
خشم خود تصور کند بنم الله جز بخوابیم همگانه بر سر هر حم نفس
بجهت از جهات ششگانه در هر جهت ششم حم گفته شود این دعا بخورد
اللهم لا تقهله بغضک ولا تهملنا بعدک وعافنا قبل ذلک و
از آن مهیج و شسته باز از خدا تعبنا بخورد الکاه حم گفته همقم و دست
با عضا و جوارح خود فرو آورد و عز را تمام کند و هم از آن

عز و شرف کند اجتماع بخواند این طریقی دعوت خرب البحرید
 چنین خواهد عمل این بجای آید و بر روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه
 و روز شنبه و هر روز بعد از غل و کاهها صد و بیست کرة بنیت نصا
 بخواند و نزدیک بعضی بنیت شرایط تا هاون روز هر روز شیخ
 بخواند بعد از سه برآمدن حاجات در او و ماه غل کند و و کاه او
 نماید بعد از سلام و بار اویت و دو و سه نشین اگر کم مشک فارغ
 اگر کم مشک فارغ و اقراب مشک فاجیه راسع مشک فانا و دیگر
 یا رحیم یا مجیب اجب دعوتی و افض حاجتی اللهم انی آویت الیک و
 خیر آویی الی کس نشیند و ده بار در دو دست بار اخلاص و یکبار کاه
 الکتاب و آیه الکرسی و سور النعام و حسن خواند این خرب با شروع
 کند تا دو از ده روز و سه بار بخواند و روز نیم وقت صبح و عصر و بین
 یکان یکان بار بخواند و حسن بخواند از انبر در هر حاله خوف در دل بگذراند و
 بکسی که در هر چه در حق خود است انگشت فرو گیرد و حسن بخواند و خیر

روز اول غل کند و یکبار کاه
 در مقام حال بود از منبیا گویند
 نوبه نصوص و بنده و در این
 منته نشیند و در روز و غیر
 کاهت و کاه و غل و غیر
 مستعمل و در این کاه و غیر
 بسوی قتل کند و در نوبت
 خرب را بخواند و در نوبت
 و تمام و کاه و غل و غیر
 در کند و از سر حضور تمام
 بخواند و در روز و غل و غیر
 در نوبت خواند و در نوبت
 خاطر بر و در هر چه در نوبت
 شروع بکشت و در نوبت
 و خند و در روز و غل و غیر
 در نوبت و در نوبت
 از انبر را بخواند و در نوبت
 تا از انبر را بخواند و در نوبت
 تا از انبر را بخواند و در نوبت

رسد مملو خوف در دل گذرانند چون بلفظ شایسته الوجوه رسد
دشمنان خود را در خاطر اند و بنحسب هفتگانه در هر هم طرفی در
و ابتدا از رشت کند و این دعا بخواند اللهم لا تقبلني بفضل و
لا تهلكني بعدك و عافني قبل ذلك اللهم لا توأخني بمرور عني
ولا تشط علي من لا يرحمي و كف ايدي الناس عني يا حفيظ ^{حفظ}
و تير امور و حصول مملو در نیز محل تیر مملو خوف بخاطر آمد و جم
هم گفت بهمه جانب خود دست فرود آید و منقول شد اگر
کس هر روز این رب بخواند همیشه در عصمت حق تعالی با بر و خاتمه او
بخیر باشد ان شاء الله اگر یاد شایم باد شمی خله او و سیران رساند باید
اینم حرره خلاصا بر دست خود قف زند و دست سیر بر مقام
اعضا فرود آید همه متفقا او گویند اگر بچیز خوف در زند کار بخواند
ایمان باید اگر در کاری در ماندا باشد بنیاید و در مقام ضای و مصفا
در کوفه نماز گذارد و اینم حرره بعد از سلام بخوابفت بار خا

در دنیا و آخره منع باز و این سه جزا عصر میگوید یعنی بعد از
عصر پیرینتی بخواند بر آید و هر که مواظبت نماید جمیع موجودات
مقتال او کردند و با انواع تاثیرات همراه شوند و اینها بجهت حفظ
سنت از نو باشند هر روز هر روز بقرآن بخواند و بجزیره
لناذ الحیر بقرآن بخواند بگوید بسم الله مجربها و حسیها ان ربی
لغفور الرحیم بعد از آن بگوید خداوند مال و سبب و قضا و قدر
توانا میسارم و بجزیره یاسان تا آنکه در کشتی باشد
هر پنج وقت یکبار و بعد از آن در محل طوفان تا از زمان بخواند
و طوفان فرو نشیند و اینها بجهت تسخیر سلاطین و اُمراء و اوزار
روز هر روز با بخواند بجهت نه یاسن سیده ملکوت کلن است
بمقتال باز با عزیز کرد ان مملکت در شمس فلاق من فلاق کویده
سه بار انا انزلناه بخواند و بعد اتمام دعوه هرگاه در بخانه او
آمد و این سه جزا بخواند و اینها بجهت کشتن شیطان

بر آب باران یا بر آب چاه در شب کشیده یا در شب تیره روز هر روز
سه و یکبار بخواند بر آن زقفت رند و جنت مجل واقع نماز فایده
الفا تحین رستم فقال بار قل اللهم یا یغفر حب بخواند بعد از آن است
دست و با آن شسته آن آب چاک انداخته و با پای کسی بر روز
یا در آب جاری انداخته غریق محروم خود بر ایضا بهتر ادای
تا آخر روز هر روز چهار بخواند بروایتی تا سه روز هر روز بار
بخواند جنت نازق فایده خیر از ارقین رستم فقال بار اللهم اغفر
مجالک عن حرامک و اعنک بفضلک عن حرامک و بطاعتک عن
معصیتک گوید و ایضا بجهت محبت جمل و یکبار بر کلاب خواند باید
جسم هر کس نماز رستم فقال بار بگوید بگو نعم حب الله و الله
استجاب الله و بعد از آن گوید خداوند محبت و موده فلان بن
فلان و در دل فلان بن فلان و در جمیع جوارح و آخوان او
پدید گردان و با کلمه بی او بودن نتواند این آیت در کف دست راست

روز من زندم برین طریق سه روز خواند این کلام در نیت کند
هرگاه در مقابل او رود قدری از این کلام بر کف خود مالده و در برابر
خود آید ایضا بجهت توکلی تا سه روز هر روز صبح و هفت بار بخواند
چون بر آتشها عینا بر منقار بار بگوید یا غنی غنی و از رقیق زرقا ^{طیبا}
و اسعاف غیر جناب و باید هر روز هفت درویش ^{فنا} یا غنی ^{بیت}
بوسع خود بدو تا ابواب فتوح بگشاید و اگر در ایضای دفع عدا
و عقبات آن تا او از دوزخ هر روز شی و سه بار بخواند خبر بپس
علی و جوه اعدینا بر منقار بار بگوید یا قاهر و یا انطش انذیرت
الذی لا یطایق انتقامه خداوند فلا ترانه و مکر و قهر و غضب مبتلا کردن
و بخود مشغول گشتن و کوشش و چشم و زبان او بسته دارد و هلاک گردان فقط
و ابر القوم الذین ظلموا و اجمع الله رب العالمین ایضا بجهت کمال معرفت
غلبه حال تا سه روز هر روز نوزده بار بخواند چون به حرج الیومین ^{بیت}
بینها بر رخ لا یغیا ن ^{بیت} یا لا اله الا انت سبحانک انی ^{بیت}

خزائن کونید و در آنرا فی اشکال کمال مغفرت و حقیقت این
برحمت یا ارحم الراحمین ازین جهت این راه و سلاطین سفر قبل از آنکه
مبارک شود سه روز با صوم و منزایط دعوت هر روز جز از ده بار
نخواند و حضرت بول الله لا یقدر علینا رس بمقتال بار بگوید یا عقیظ
احفظنی فر یمیع الیلیات یا ارحم الراحمین و در وقت روان
شدن و فرود آمدن و محل خوف یکبار لازم دارد ایضا بر
انشرح صدر روز و یاد قیمت تاسه روز هر روز باز ده بار بر بنیاد
یا بر کلاب یا بر هر نیلرینی بخواند و حضرت محل بل معفران حمید
فی لوح محفوظ رس بمقتال بار بگوید یا اشرج لی صدری ال آخر
آئینه نماید که هر روز بنیاد بخواند تا دل او کنده گردد و فهم
او زیاده نظر ایضا بر سلاطین ایماز از غارت شیطان تاسه روز
هر روز ده بار بخواند چون به حبس الله تعالی رس بمقتال بار بگوید
اللهم فی اشکال ایمان صادقا و یقینا لا و قل رب اعوذ بک فر یمت

الشیطان

التبتطين واعوذ بك رب ان يحضرون ويا قاهر ذل البطش
 انت الذي لا يطاق انتقام قاهر الصاب على شفار حريض دوا
 جز هر روز دوازده بار بخواند چنانچه الذي لا يضر مع الله رفقاً
 بار يكويد و تنزل في القرآن ما هو شفا و رحمة للمؤمنين يا شفا
 شفا بخش قلنا از جميع امراض بحق بسم الله الرحمن الرحيم
 بحق محمد وآله و صل الله على خير خلقه محمد وآله اجمعين تمام شد
 حق البحر بر نور شبته تبارك و تعالی و پنج شهر حاد الاول بحط
 نط كثر بن بندگان خدا محمد رضا نجر قوت

تم
 سبب و غار

